

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دآوری دعاری ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۲ / ۲ / ۲۰
10 JUN 1983	
No	۱۴۹
No	۱۴۹

پرونده شماره ۱۴۹
شعبه یک
حکم شماره ۱ - ۱۴۹ - ۵۳

مارک دلال ،

خواهان ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ، بانک ملت (بانک سابق بین المللی ایران) ،

خوانندگان .

حکم

حاضران :

از طرف خواهان : آقای ریچارد دی. کوپراسمیت ، از دارالوکاله کوپراسمیت اندکوپراسمیت ، نیویورک .

از طرف خوانندگان : آقای محمدکریم اشراق ، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران ،

آقای حسین صفائی ، مشاور حقوقی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران ،

آقای معادی ، نماینده بانک ملت ،

آقای راکول ، دستیار نماینده بانک ملت ،

سایر حاضران : آقای آرتور دلیو. رواین ، نماینده رابط ایالات متحده آمریکا .

اول - واقعیات و اظهارات

آقای دلال ، خواهان در این پرونده ، مدعی است که در ژانویه ۱۹۷۹ دو فقره چک هریک به مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ دلار از بانک بین المللی ایران به عهده چیز منتهن بنک . ان . ا . ، نیویورک دریافت نمود و دارنده قانونی آن چکها است که به حساب وی نزد کمیکال بنک نیویورک قابل پرداخت بوده است . بعلاوه ، وی اظهار می دارد که هر دو چک برگشت خورده است . بنا بر این ، خواهان وجه هر دو چک ، یعنی ۴۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا ، بعلاوه بهره و هزینه ها را مطالبه می نماید .

خوانندگان درخواست نموده اند که دیوان ادعای مزبور را رد نموده و حکم به جبران مخارج و حق الزحمه وکیل ایشان دهد . خوانندگان استدلال می کنند که آقای دلال ثابت نکرده است که وی ذینفع چکها است و علاوه بر این صدور چکها توسط بانک بین المللی ایران به موجب بخشنامه لازم الاجرای بانک مرکزی ایران ممنوع بوده است . در این مورد ، خوانندگان به بخشنامه مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۷) بانک مرکزی استناد می کنند که حاوی پاره ای مقررات ارزی بوده و چکها برخلاف مقررات مزبور صادر شده و از این رو باطل و بلا اثرند . مضافاً " خوانندگان ادعا می کنند که اوضاع و احوال مربوط به صدور چکها دلالت بر این می کند که چکها جزئی از یک اقدام نامشروع و تقلب آمیز را تشکیل می داده که به منظور فرار از مقررات ارزی ایران انجام شده است .

خواهان مدعی است که او ذینفع چکها بوده و این نظر را رد کرده است که صدور چکها برخلاف مقررات ارزی معتبر در ایران صادر گردیده است ، و علاوه بر این ، در هر حال به بانکی که اقدام به صدور چکی می کند نباید اجازه داد از نقض مقررات داخلی استفاده کند ، مقرراتی که بموجب آن بانک در صدور چک مقصر بوده ولی باید در برابر مطالبه ذینفع وجه چک صادره را به او پرداخت نماید . خواهان اظهار می دارد از آنجا که چک صادره در ایران مقرر می دارد که وجه چک توسط یک موسسه بانکی در نیویورک به حساب بانک دیگری در نیویورک واریز گردد ، لذا تابع قوانین ایالت نیویورک بوده و طبق قانون مزبور باید نسبت به وی احقاق حق شود . وی به این دلیل که چون مقررات ارزی به ترتیبی که قوانین ایران لازم می دارد انتشار نیافته است ،

نسبت به اعتباربخشنا مه بانک مرکزی ایراد دارد. وی اظهار می دارد که بخشنا مه ها فقط در مورد بانکها قابل اجرا بوده، این بخشنا مه مبهم است و روشن نیست که آیا بخشنا مه ها رعایت گردیده و اینکه چه کسی موظف بوده موجبات متابعت از بخشنا مه ها را فراهم آورد.

علاوه بر این، آقای دلال در لایحه پس از استماع چنین استدلال کرده است که چنانچه دفاع خواندگان قابل قبول شناخته شود، بانک از اقدام خطا کارانه خود بناحق دارا شده است، به این معنی که بانک ذینفع مبلغی معادل ریالی ۴۰۰،۰۰۰ دلار گردیده که متعهد به پرداخت آن بوده ولیکن آن را پرداخت نکرده است.

نظریه اینکه این مبنای جدید ادعا برای نخستین بار در لایحه پست از استماع عنوان شده، دیوان بر این عقیده است که، طبق ماده ۲۰ قواعد دیوان داور، پذیرفتن این اصلاحیه به ادعا، صحیح نیست.

بانک ملت اعلام داشته است که ریالها توسط شخص ذیحق مستقیماً از بانک قابل وصول می باشد.

خواهان فتوکپی چک های مورد بحث را تسلیم واصل چکها را جهت مطابقت در اختیار دیوان قرار داده است. تاریخ دوچک مزبور ۱۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۵ دی ماه ۱۳۵۷) بوده و توسط بانک بین المللی ایران به عهده چیز منتهن بانک صادر شده و به حساب شماره MDNS ۳۵۸۶۱۱ - ۴۰۰ کمیکال بانک قابل پرداخت می باشد. در چک ها ذکر می شود از حساب نزد کمیکال بانک نشده است. یادداشت چیز منتهن بانک در روی چک ها حاکی است که چکها به علت کافی نبودن موجودی برگشت خورده اند.

جلسه استماع این پرونده در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۲ (۱۹ شهریور ماه ۱۳۶۱) برگزار شد. خواهان و بانک ملت متعاقب جلسه استماع، لوائح پست از استماع تسلیم کردند.

دوم - دلائل

خواندگان در درجه اول به این استدلال پرداخته اند که آقای دلال ذینفع بودن خود نسبت به چکها را اثبات نکرده است. در این مورد آقای دلال گواهی نامه ای را که جری ا. ماراوجیاس، معاون کمیکال بانک با قید سوگند در ضمن آن تأیید کرده است که آقای دلال صاحب منحصر به فرد حساب شماره MDNS ۵۸۶۱ - ۴۰۰ می باشد،

ارائه نموده است. بدینقرار، دیوان داوری این طور نتیجه گیری می کند که وجه چکها می بایست به حسابی که دارنده آن آقای دلال است، واریزمی گردید.

خوانندگان همچنین استدلال کرده اند که صدور چک توسط بانک بین المللی ایران به موجب بخشنامه لازم الاجرای بانک مرکزی ممنوع بوده و صدور چکها برخلاف مقررات مزبور انجام گرفته و بنا براین چکها باطل و بلا اثر می باشند. خوانندگان ترجمه انگلیسی بخشنامه مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۷) بانک مرکزی به بانک بین المللی ایران را به انضمام فهرستی به همان تاریخ که به بخشنامه منضم بوده است، به دیوان داوری تسلیم کرده اند. به نظر می رسد که سایر بانک ها هم مخاطب بخشنامه مزبور بوده اند. این مقررات قائل به هیچگونه محدودیتی در فروش ارز خارجی در قبال وارد کردن کالا نشده است. فروش ارز جهت پرداخت بابت خدمات در ردیف ۴ فهرست منضم به بخشنامه بانک مرکزی عنوان گردیده است. فهرست مزبور اوضاع و احوالی را که تحت آن می توان ارز برای منظورهائی به غیر از وارد کردن کالا فروخت، تصریح کرده است. ردیف ۴ به شرح زیر است:

فروش ارز برای خدمات بر اساس قراردادهای منعقد بین موسسات^(۱) داخلی و خارجی شامل حقوق کارشناسان، مهندسین و متخصصین خارجی، حق امتیاز و حق کمک فنی، حق الزحمه تهیه نقشه و طرحها، هزینه نظارت و نصب تاسیسات، بهای اسناد و اطلاعات فنی (کد ۵۲ جهت خدمات) با تائید بانک مرکزی ایران.

فروش ارز بازرگانی برای مصارفی غیر از آنچه که در فهرست مزبور آمده، در هر مورد موکول به موافقت قبلی بانک مرکزی خواهد بود (ردیف ۱۴).

هیچیک از طرفین ادعا نکرده است که بانک مرکزی معامله پولی مورد بحث در این پرونده را تائید یا تصویب نموده است.

از آنجا که هم ایران و هم ایالات متحده عضو صندوق بین المللی پول (آی . ام . اف) هستند، به جاست که در این مورد شرایط مندرج در موافقت نامه صندوق راجع به اثرات مقررات ارزی مورد توجه قرار گیرد. قاعده اصلی که به موضوع مورد بحث مربوط است عبارت از بند ۲ (ب) ماده هشت موافقتنامه به شرح زیر است:

(۱) در گزارش سالانه صندوق بین المللی پول مربوط به سال ۱۹۷۹ این کلمه به صورت "موسسه" ترجمه شده است.

(ب) قراردادهای ارزی که متضمن پول رایج عضوی از اعضای صندوق بوده و با مقررات کنترل ارزی آن عضو سازگار با مفاد این موافقت نامه (صندوق) ابقاء یا تدوین می شود، مغایرت داشته باشد، در قلمرو هیچیک از اعضاء قابل اجرا نخواهد بود. علاوه بر این، اعضاء می توانند با توافق دو جانبه، در اقداماتی به منظور موثرتر کردن مقررات کنترل ارزی هر کدام، با یکدیگر همکاری نمایند، مشروط بر اینکه اقدامات و مقررات مزبور با این موافقت نامه سازگار باشد.

در مورد ایراد خواهان به اعتباربخشنامه بانک مرکزی، دیوان داوری اولاً متذکر میشود که طبق بند (ج) ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی ایران مورخ ۱۹۷۲، (۱۳۵۱) بانک مرکزی به عنوان مقام مسئول نظام پولی و اعتباری ایران، از جمله این اختیار را دارد که مقررات مربوط به معاملات ارزی، تعهدات و ضمانت نامه ها را با تصویب شورای پول و اعتبار تنظیم کرده، و نیز معاملات ارزی را کنترل نماید. بعلاوه، دیوان داوری متذکر میشود که مقررات ارزی مندرج در بخشنامه مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۳ آبانماه ۱۳۵۷) و پیوست آن به صندوق بین المللی پول گزارش شده و در گزارش سالانه مربوط به سال ۱۹۷۹ صندوق منعکس گردیده است. بنا بر این، دیوان داوری چنین نتیجه میگیرد که تا آنجا که این مقررات، طبق بند ۳ ماده شش موافقت نامه صندوق بین المللی پول، صرفاً "به انتقال سرمایه مربوط می شود، طبق مفهوم بند ۲ (ب) ماده هشت موافقت نامه صندوق بین المللی پول، مقررات ارزی معتبر محسوب می شود.

خواهان حتی ادعا نکرده است که مقررات ارزی مزبور با موافقت نامه صندوق بین المللی پول سازگار است.

در مورد اثرات قاعده فوق الذکر موافقت نامه صندوق بین المللی پول، این نکته به ویژه جالب توجه است که هیئت مدیران اجرائی صندوق بین المللی پول، طی تصمیم مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۴۹ (۲۰ خرداد ماه ۱۳۲۸) (تصمیم شماره ۴ - ۴۴۶) مفهوم غیر قابل اجرا بودن قرارداد ارزی را که در بند ۲ (ب) ماده هشت موافقت نامه درج گردیده، تفسیر نموده است. در این تصمیم هیئت مدیره قاعده مزبور را به شرح زیر تفسیر کرده است:

(۱) این بند مقرری دارد: کنترل های مربوط به انتقالات سرمایه. اعضای صندوق کنترل های لازم جهت تنظیم گردش بین المللی سرمایه ها را اعمال نمایند، لیکن، به استثنای موارد مقرر در بند ۳ (ب) ماده هفت و بند ۲ ماده چهارده، هیچیک از اعضا نمی تواند این کنترلها را به ترتیبی اعمال نماید که ادا مه در صفحه بعد

۱ - طرفهائی کسسه قراردادهای ارزی ، متضمن پول رایج هریک از
اعضاء صندوق و مغایر با مقررات کنترل ارزی عضو مزبور که سازگار با
موافقت نامه صندوق ابقاء یا تدوین گردیده است ، منعقد می نمایند، از
مساعدت مراجع قضائی یا اداری سایر اعضاء جهت اجرای اینگونه قراردادها
برخوردار نخواهند شد . بدین قرار که ، تعهدات موضوع اینگونه قراردادها
از طرف مقامات قضائی یا اداری کشورهای عضو ، مانند صدور حکم جهت
انجام قرارداد یا جبران خسارت بابت عدم انجام قرارداد ، به مرحله
اجرا گذاشته نخواهد شد .

۲ - اعضای صندوق با قبول موافقت نامه تعهد کرده اند که بنحوی موشری اصل منکور
در فوق را به صورت جزئی از قانون ملی خود در آورند . این امر
به کلیه اعضاء اطلاق دارد ، اعم از اینکه اعضای مزبور از ترتیبات
موقت مندرج در بند ۲ ماده چهارده استفاده کنند یا نکنند . (۱)

نتیجه بارز تعهد پیش گفته آن است که اگر یک طرف قرارداد ارزی از نوع
مذکور در بند ۲ (ب) ماده هشت بخواهد چنین قراردادی را اجرا
نماید ، هیئتی از کشور عضو صندوق که دعوی مزبور نزد آن اقامه گردیده
است ، به این علت که مقررات ارزی عضو دیگر مغایر سیاست عمومی (نظم عمومی) مرجع
رسیدگی مورد بحث است ، از شناسائی مقررات کنترل ارزی عضو مزبور که
سازگار با موافقت نامه صندوق ابقاء یا تدوین گردیده است ، امتناع
نخواهد کرد . بنا بر این ————— این قبیل قراردادها غیر قابل
اجرا تلقی خواهد شد ، صرف نظر از اینکه طبق حقوق بین المللی خصوصی
مرجع رسیدگی ، قانونی که بر اساس آن مقررات ارزی ابقاء یا تدوین گردیده
است ، قانونی نباشد که حاکم بر قرارداد یا اجرای آن است .

این تصمیم روشن می سازد که مسئله ————— قانون حاکم بر قرارداد و اجرای آن تا
آنجا که به رعایت مقررات ارزی بستگی پیدا می کند ، اساساً بی ربط است . تصمیم مزبور

ادامه از صفحه قبل
پسرداخت های جهت معاملات جاری را مضیق نماید یا به نحو
ناشایسته ای انتقال وجوه جهت حل و فصل تعهدات را به تاخیر اندازد .

(۱) ایران تصمیم گرفته است که از ترتیبات موقت مندرج در بند ۲ ماده چهارده استفاده
نماید ، رجوع شود ، به صفحه ۴۹۸ گزارش سالانه ، سال ۱۹۸۲ صندوق بین المللی پول .

همچنین آشکار می سازد که دولتهای عضو صندوق بین المللی پول موظفند از اعطای مساعدت مراجع قضائی یا اداری خویش به تحصیل اجرای قراردادهای ارزی متضمن پول رایج یکی از اعضای صندوق امتناع ورزند، اگر قرارداد با مقررات ارزی عضو مزبور که با موافقتنامه صندوق بین المللی پول سازگاری دارد، مغایر باشد. این بدان معنی است که یک دادگاه یا مقام اداری حق و وظیفه دارد که از اجرای قرارداد امتناع ورزد.

در مورد این پرونده باید در نظر داشت که طبق بیانیه الجزیره " کلیه وجوه حساب تا مینی باید منحصر "جهت تامین پرداخت و تادیه دعاها علیه ایران بر اساس بیانیه حل و فصل دعاوی، مورد استفاده قرار گیرد". در نتیجه، چنانچه دیوان داوری اجازه دهد که خواهان وجوه چکها را به دلار آمریکا از حساب مزبور دریافت دارد، در حکم اینست که دیوان فی الواقع، قرارداد ارزی را اجرا کرده باشد. عملاً چنین حکمی عدول از مقررات ارزی محسوب می گردد، که در صورت اعتبار، احترام به آن هم وظیفه ایران و هم ایالات متحده و هم سایر دول عضو صندوق بین المللی پول می باشد. دلائل محکمی وجود دارد دایر بر اینکه دیوانهای بین المللی نیز بایضای شرایط ذیربط در موافقتنامه صندوق بین المللی پول را محترم شمارند.

بنابراین، نکته مهمی که در این پرونده برای دیوان داوری مطرح می باشد عبارت است از بررسی ادله تسلیمی توسط طرفین در مورد ماهیت معامله اصلی. زیرا اگر ماهیت حقیقی معامله همانگونه که خواندگان اظهار می دارند صرفاً "تبدیل ریال به دلار و انتقال مبلغ دلار به ایالات متحده بوده است، تردیدی نیست که معامله مزبور یک قرارداد ارزی در مفهوم بند ۳ ماده شش موافقتنامه صندوق بین المللی پول بوده است.

در این مورد آقای دلال ادعا می کند که مبلغ مورد بحث طبق یک توافق شفاهی یا تفاهمی که بین وی و یک شرکت ایرانی - لاکمی کامپنی - که در تجارت نخ دست داشته، بابت خدماتی که وی جهت شرکت مزبور انجام داده، با و پرداخت گردیده، و مبلغ مزبور جنبه "حق الزحمه دلالی یا حق العمل را داشته است".

بانک ملت یک برگ فتوکپی از درخواست نام تمام حواله بانکی جهت چکهای مزبورا

تسلیم کرده و وکیل بانک اعلام داشته است: "در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۹ دیماه ۱۳۵۷) یک نفر به نام آقای فریدون کامیاب به بانک بین المللی ایران مراجعه کرده و اظهار داشته است که می خواهد یک معامله ارزی انجام دهد. وی، برخلاف رسم معمول، یک فرم ناتمام درخواست را که در آن ذکر از نام و نشانی گیرنده پول نشده بود، به بانک تسلیم نمود. معمولاً بعد از این قبیل معاملات طی یک تلکس سازمانی به بانک اعلام شده است. ایالات متحده درخواست می شد که پول به گیرنده حواله پرداخت گردد. در این مورد چنین تلکسی فرستاده نشد که با زحاک از آنست که ماهیت معامله درست بوده است."

در این رابطه، خوانندگان ذکر کرده اند که شخصی به نام "جان دو، سوم" نزد دادگاهی در ایالات متحده، دعوی بر اساس همان چکها اقامه کرده بود. جان دو، سوم علیه بانک بین المللی ایران و جمهوری اسلامی ایران، دادگاه بدوی فدرال ایالات متحده، بخش جنوبی نیویورک، پرونده شماره (80 CIV 3528)

خواهان پاسخ داده است که طبق دستور مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۸۰ (۲ تیرماه ۱۳۵۹) در پرونده مزبور، به وی اجازه داده شد که تحت اسم مستعار "جان دو" دعوی خود را دنبال نماید، زیرا وی و همه داشت که اگر دعوی را تحت نام اصلی خود تعقیب می کرد، علیه بستگان و همکاران تجاریش که هنوز در ایران بسر می بردند اقدامات تلافی جویانه به عمل آید. خواهان افزود که کلمه "سوم" توسط دادگاه به آخر اسم "جان دو" اضافه شده است، زیرا دو نفر یا دو شخصیت دیگر با اسمی مستعار در همان دادگاه راجع به مسائل دیگر اقامه دعوی کرده بودند.

بعلاوه، خوانندگان سندی را که از طرف دفتر ثبت شرکتها و اختراعات در ایران صادر گردیده است، تسلیم نموده اند، این سند نشان می دهد که شرکتی به نام لاکمی کامپنی در ۲۵ فوریه ۱۹۶۲ (۶ اسفندماه ۱۳۴۰) منحل گردیده است. خوانندگان اظهار می دارند که تحقیقات معموله آشکار ساخت که بعد از تاریخ مزبور شرکتی به نام لاکمی در ایران وجود نداشته است.

در پاسخ به سوالات دیوان داور در باره معامله اصلی و اوضاع و احوال مربوط به صدور چکها، آقای دلال اظهار داشت که وی آقای کامیاب را نمی شناسد. وی از دادن اطلاعات بیشتری در مورد تماسها با لاکمی کمپانی امتناع ورزید.

با ایدافزودکه معامله پولی مورد بحث در کشاکش دوران انقلابی اخیر ایران صورت گرفت .

اکنون که دیوان داوری اوضاع و احوالی را که تحت آن چک ها صادر گردیده است مورد بررسی قرار می دهد، به ویژه به نکات ذیل توجه می کند:

- درخواستهای مربوط به حواله های بانکی توسط لاکي کا مپني امضاء نشده است - این همان شرکتی است که خواهان مدعی است که چکها را از آن دریافت داشته است؛ بلکه ظاهراً "شخصی به نام فریدون کامیاب آنها را امضاء کرده است؛ کسی که آقای دلال نتوانسته است هویت او را مشخص نماید؛

- در اینکه آیا شرکتی به نام لاکي کا مپني در تاریخ وقوع معامله موجودیت داشته است یا خیر، تردید وجود دارد؛

- آقای دلال از دادن اطلاعاتی درباره ماهیت معامله اصلی، به غیر از ذکر اینکه مبلغ چکها بابت "حق دلالي" یا "حق العمل" در قبال خدمات انجام شده جهت لاکي کا مپني بوده است، امتناع ورزیده است .

دیوان داوری بر این عقیده است که اوضاع و احوال فوق الذکر باعث بروز تردید جدی نسبت به ماهیت حقیقی معامله اصلی می گردد. لیکن دیوان داوری نتوانسته است این نکته را احراز نماید که مدارک ارائه شده توسط خواندگان کاملاً اثبات می کند که معامله مورد بحث یک معامله سرمايه بوده که به تلبیس صورت گرفته و موكسول به تمویب قبلی بانک مرکزی بوده و بنا بر این با مقررات ارزی ایران مغایرت داشته است . دیوان داوری همچنان در مورد ماهیت حقیقی معامله تردید است . وقتی یک دادگاه یا دیوان بین المللی در مقابل موارد مشکوک ناگزیر از اتخاذ تصمیم درباره ماهیت یک عمل ارزی باشد، نکته مهمی که باید ملحوظ گردد اینست که طرف ها ئی که در عملیات پولی دخیل بوده اند، به مدارک مربوط به ماهیت عملیات مذکور دسترسی داشته و در موقعیتی قراردادارند که اطلاعات راجع به اوضاع و احوال مربوط به آن عملیات را عرضه نمایند. از سوی دیگر، بطور کلی بسیار دشوار است که طرف های مقابل در این مورد مدارکی ارائه نمایند .

همانطور که در بالا ذکر شد، نحوه انشاء موافقتنامه صندوق بین المللی پول طوری

است که جهت دادگاہها و مقامات اداری و نیز دیوانهای بین المللی نه تنها حق بلکه این وظیفه را ایجاد می نماید که از اجرای قراردادهای ارزی از جمله انتقال سرمایه،^(۱) مشمول شرایط بند ۲ (ب) ماده هشت موافقتنامه صندوق می شوند، خودداری کنند. اگر دادگاهی مسئولیت اثبات ماهیت معامله را همیشه بر عهده طرفهائی که مدعیان در عملیات نداشته اند بگذارد، اثرات این شرط به میزان قابل ملاحظه ای منتفی می گردد.

در پرونده حاضر، آقای دلال تصمیم گرفته است که در مورد این معامله اطلاعات بیشتری در اختیار دیوان قرار ندهد. عدم تمایل وی به ارائه اطلاعات در مورد ماهیت معامله، نمیتواند باعث علاقه ادعائی وی نسبت به امنیت بستگان و روابط های تجاریش در ایران، بنحو کافی قابل توجیه باشد، زیرا برای وی کاملاً امکان داشته که بدون برملا کردن هویت بستگان و روابط های تجاری خود، جزئیات بیشتری از مآ وقع را - مانند مدت و پولی که وی صرف پروژه کرده - - ارزی نماید.^(۲) بنا بر این، دیوان داوری به این نتیجه می رسد که باید چنین فرض شود که دو فقره چک بعنوان جزئی از انتقال سرمایه، صادر شده که منظور از آن تبدیل ریال به دلار و انتقال مبلغ دلاری به ایالات متحده بوده است. علیهذا، دیوان داوری نتیجه می گیرد که نمی تواند حکمی له خواهان صادر نماید.

خواهان علاوه بر ادعاهای فوق الذکر که مخصوصاً " متوجه بانک ملت می باشد، به هیچ علتی استناد نکرده است که در این پرونده دولت جمهوری اسلامی ایران مسئول شناخته شود.

باتوجه به اوضاع و احوال مربوط به این پرونده، نظردیوان داوری این است که هر یک از طرفین باید هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

(۱) رجوع شود به جنبه های حقوقی پول، نوشته اف. ا. من، آکسفورد ۱۹۸۲، صفحه ۳۸۲.

(۲) دیوان داوری این حقیقت آشکارا متذکر می گردد که انسان ممکن است دعوی موجه و معتبری داشته باشد، اما اگر قدا در به اثبات آن نباشد، نمی تواند فائق آید.

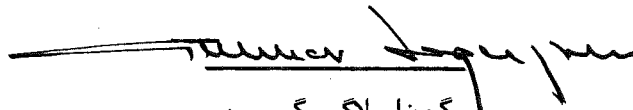
سوم - نتایج

ادعای خواهان ، آقای دلال ، علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و
بانک ملت مردود شناخته می شود .

هریک از طرفین باید هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل نماید .

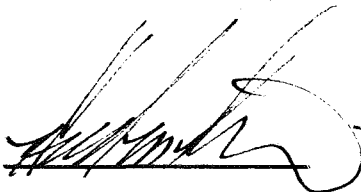
لا اله ،

به تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۳ برابر با ۲۵ خرداد ماه ۱۳۶۲



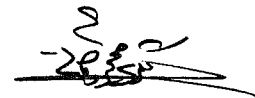
گونا رلاگرگرن

رئیس شعبه یک



هوارد ام . هولتزمن

نظر مخالف



محمود م . کاشانی

